



تأثیر کتابخوانی بر رشد اجتماعی و فن بیان دانش آموزان

مریم رهنورد

کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

Mrahnavard1379@yahoo.com

۰۹۱۷۱۰۵۸۰۳۶

چکیده :

برخورداری از مهارت های اجتماعی و ارتباطات ثمر بخش برای داشتن عملکردی موفق در زندگی ضروری است. مهارت اجتماعی ، مجموعه رفتارهای آموخته شده ای است که کودکان را قادر می سازد تا با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش های نامعقول اجتماعی خودداری کنند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر کتابخوانی بر رشد اجتماعی و فن بیان دانش آموزان است که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است . یافته های تحقیق نشان می دهد ترغیب و تشویق دانش آموزان به مطالعه و کتابخوانی، نیاز واقعی عصر اطلاعات است. آموزش عادت به مطالعه، نقش موثری بر رشد اجتماعی و مهارت های ارتباطی کودکان و نوجوانان گذاشته و موجب اصلاحات و نوسازی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه می گردد .

واژگان کلیدی: کتابخوانی ، مطالعه ، رشد اجتماعی ، فن بیان ، دانش آموزان



مقدمه :

در چند دهه اخیر، نقش مهارت اجتماعی در زندگی مورد توجه روانشناسان و محققان قرار گرفته است. پیچیدگی جامعه مدرن امروزی، مشکلات روزافزون و تغییر شیوه‌های زندگی باعث شده است نیاز به مهارت اجتماعی بیشتر شود، حتی در جوامع مادی نیز واقعیت‌ها حاکی از آن است که مردم به مهارت اجتماعی گرایش پیدا کرده‌اند. (سیف و همکاران، ۱۳۸۱) امروزه با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز ناهنجاری‌های رفتاری در بین کودکان و نوجوانان، پرداختن به فرایند اجتماعی شدن آن‌ها نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است. چگونگی تربیت سال‌های نخستین و آموخته‌ها و دیدگاه‌های فکری و اجتماعی در یادگیری مهارت‌های ارتباطی مؤثر است و زندگی فرد در مراحل بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (نراقی و همکاران، ۱۳۹۰)

رشد اجتماعی به مفهوم توانایی فرد در برقراری روابط اجتماعی می‌باشد. فرد با رشد اجتماعی مطلوب قادر است تا با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال‌هایی از دارا بودن رشد اجتماعی مطلوب هستند. (Watson, & Skinner, 2001) شخصیت اجتماعی هر فرد از بدو تولد شروع به شکل‌گیری می‌کند و در طول سال‌ها، با تغییرات زیادی همراه می‌شود که هر یک از این تغییرات، فرم خاصی به هویت اجتماعی فرد می‌دهند. شخصیت هر فرد، در طول سال‌های زندگی خود در معرض متغیرهای فراوانی قرار می‌گیرد که هر کدام به نحوی ادامه‌ی مسیر هویتی وی را تعیین می‌کنند. یکی از این متغیرها که تأثیر مثبت زیادی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارد، مطالعه غیردرسی و کتابخوانی است.

کتاب از دیر باز یکی از مهم‌ترین ابزار آگاهی و بصیرت به شمار آمده است. کتاب دریچه‌ای است به سوی جهان شگفت‌انگیز علم و معرفت و مطالعه راهی است بسیار ساده و عملی برای پرورش استعدادهای خداداد انسان و آموزش علوم و فنون که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی کند. اگر بتوان مطالعه را در انسان به صورت «عادت» خود را نسبت به جهان هستی رشد و تعالی بخشید. باید توجه داشت که تبدیل این علاقه به عادت، باید از دوران طفولیت انسان شروع شود. یکی از معیارهای سنجش رشد فرهنگی و فکری هر ملت و کشوری در تعداد کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، کتاب‌های چاپ شده و کتاب‌خوان‌های آن جامعه است. کتابخوانی و بالا بودن میزان مطالعه در جهان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و رشد شناخته شده است.

امروزه کتابخوانی به عنوان یکی از منابع مهم دستیابی به اطلاعات فقط عملی فردی نیست که به سبب علاقه و سلیقه شخصی یا اشخاص بتواند استمرار یابد، بلکه ضرورت‌های اجتماعی، موقعیت تاریخی و فرهنگی جامعه، نیازهای نظام اجتماعی، علایق و انگیزه‌های فردی، امکانات و توانایی‌های نظام و در اختیار بودن کتاب، عوامل تعیین‌کننده‌ای در کتابخوانی به شمار می‌روند. (ویسی نژاد، ۱۳۸۵) مطالعه کتاب، پلی به سوی آینده‌ای روشن برای دانش‌آموزان است. دلایل زیادی برای توجیه این اهمیت ذکر شده‌اند که با بررسی آنها می‌توان نتیجه گرفت که روند پیش‌روی رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مطالعات غیردرسی داشته‌اند، فرایند راحت‌تر و بهتری نسبت به افرادی بوده است که در این مسیر، مطالعه نداشته‌اند.

ظهور ناو و رجبی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه کتاب‌خوانی و رشد اجتماعی در دانش‌آموزان پرداخته و نشان دادند «در دانش‌آموزان کلاس پنجم مطالعه کتاب‌ها و مجلات تخیلی، تاریخی و ورزشی پیش‌بینی‌کننده مثبت و کتاب‌های پلیسی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رشد اجتماعی بود و در دانش‌آموزان سوم راهنمایی نیز کتاب‌ها و مجلات علمی و ورزشی پیش‌بینی‌کننده مثبت و کتاب‌های شعر پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار رشد اجتماعی بود. هم‌چنین تفاوت‌های جنسیتی نیز در مطالعه کتاب‌ها به دست آمد.»

یافته‌های تحقیق احمدی و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی تأثیرات فردی و اجتماعی کتاب و فرهنگ کتابخوانی بر کودک و نوجوان نشان داد «مطالعه کتاب بر ابعاد مختلف شخصیتی کودکان و نوجوانان و همچنین در بهتر شدن روابط اجتماعی آنان و حرکت آنان به



سمت کمال انسانی اثرات چشمگیری خواهد داشت و کنش های بعدی همچون ایجاد لذت، تخیل، ایجاد تفکر و پاسخ گویی به پرسش ها را در پی خواهد داشت. بنابراین توجه به کتاب و ترویج فرهنگ کتابخوانی به خصوص برای کودکان اهمیت بسزایی دارد که باید مورد توجه تمام افراد جامعه قرار بگیرد و برنامه ی کتابخوانی جزوی از کارهای روزانه همه اقشار جامعه به خصوص کودکان و نوجوانان به شمار آید. «

روش شناسی :

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر کتابخوانی بر رشد اجتماعی و فن بیان دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی از قبیل کتب ، مقالات و پایان نامه ها می باشد.

بحث درباره یافته ها

رشد اجتماعی به مفهوم توانایی فرد در برقراری روابط اجتماعی می باشد . به عبارت دیگر منظور از رشد اجتماعی آن است که فرد به آن مقدار از رشد در جهت برقراری روابط اجتماعی با دیگران رسیده باشد . (شعاری نژاد ، ۱۳۷۵) شاخص های اصلی رشد اجتماعی را می توان به صورت زیر بیان نمود.

۱ . استقلال:

استقلال به مفهوم توانمندی در انجام کارها بدون یاری گرفتن از دیگران است ؛ و یا اینکه فرد قادر باشد هر از گاهی تنها بوده و در انجام برخی از کارها نیز تنهایی اقدام کند .

۲ . مسئولیت پذیری :

پذیرفتن نقش ها و وظایفی که جامعه برعهده فرد می گذارد به معنای مسئولیت پذیری است و در آن هر کسی مسئول اعمال و رفتار خود بوده و از انجام کارها شانه خالی نکند .

۳ . ارتباط و سازگاری :

ارتباط و سازگاری به معنای وجود حس وحدت اجتماعی و ایجاد ارتباط متقابل میان افراد یک جامعه و همکاری با دیگران است . یک انسان اجتماعی علاوه بر تمایل داشتن در زندگی با دیگران ، رغبت به مشارکت و همکاری با آنها را نیز دارد .

۴ . آینده نگری امیدواری و خوش بینی :

آینده نگری به این معناست که فرد بداند تصمیم های امروزش در زندگی آینده اش موثر بوده و لذا همه درآمد امروزش را خرج نکرده و مقداری برای روزهای پیری و بیماری خود و دیگر حوادث غیرمترقبه نیز پس انداز کند. امیدواری و خوش بین بودن به معنای داشتن



روحیه ای قوی و مستحکم در عبور از موانع و مشکلات ، موضع گیری مثبت در برابر مسائل اساسی زندگی ، کنترل اعمال و رفتار خود در مواجهه با رویدادهای غیرمنتظره و به طور کلی سهل گرفتن مشکلات است .

۵ . میانه روی و شوخ طبعی :

میانه روی به معنای حفظ تعادل در لذت ها ، موفقیت ها و کارها به صورتی است که به وظایف اصلی فرد لطمه ای وارد نشده و به اندازه معمول انسان بتواند به انجام امورات خود برسد . شوخ طبعی هم به معنای داشتن روحیه شاد و خندان تحمل موقعیتهای نامطلوب و ناراحت کننده و تبدیل آن به موقعیت های قابل تحمل و آسان گرفتن و خندیدن به مسائل کوچک زندگی است .

عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی کودکان و نوجوانان

رشد و تکامل اجتماعی کودکان و نوجوانان از عوامل زیر متأثر می شود: (شعاری نژاد ، ۱۳۸۵)

۱. هیجانها

تحریک های هیجانی و عاطفی در کودکان نقش موثری در رشد ارزشهای اجتماعی آنها دارد . با توجه به تفاوت زمینه های تجربی در کودکان و بزرگسالان ، لذا یک نوع محرک منجر به تحریک هیجان های مختلف در کودکان می شود . عمده حالت های هیجانی کودکان از والدین و اطرافیان آنها تاثیر می پذیرد . رشد هیجانی و رشد اجتماعی با همدیگر انجام می شوند . کودکان با مشاهده رفتارهای دیگران به تقلید از آنها تحریک شده و رفتارهایی مشابه آنها انجام می دهد و به طور کلی ارزش های اجتماعی خود را از آنها دریافت می کند . کودکان چگونگی شیوه های ارضای نیازها را به کودکان می آموزند و زمان و نحوه بازی کردن ، نوع پوشش لباس ، نوع اسباب بازی و نوع و چگونگی دوست داشتن و متنفر بودن را نیز به او یاد می دهند . به عبارت دیگر کودک از اطرافیان خود می آموزد که برای چه چیزهایی ارزش قائل شده و از چه چیزهایی دوری کنند .

۲ . سلامت و بیماری

سلامت بدن و رشد آن وابسته به رشد روانی و اجتماعی است . کودکی که بیمار است همواره تمایل دارد از دیگر کودکان دور بوده و این انزوا طلبی مانع رشد صحیح اجتماعی وی می شود . کودک به دلیل بیماری ، باعث جلب توجه دیگران به خود شده و دیگران جهت رضایت و خشنودی وی ، خواسته های او را برآورده کرده و لذا این توجه و حمایت اطرافیان موجب می شود که کودک فردی مغرور ، متکبر و یا خجول و مطیع تربیت شود که همواره نیازمند کمک دیگران بوده و انتظار دارد در همه طول زندگی از سمت دیگران تایید شود .

۳ . بازی

بازی های کودکان نقش موثری در رشد اجتماعی آنها دارد ، زیرا آنها شخصیت واقعی خود در زمان انجام بازی ها نشان می دهند . در حین انجام بازی ، کودک نوع و میزان تصور و تخیل ، استعداد همکاری و معامله منصفانه را از خود بروز می دهد . بازی به عنوان عاملی



مهم و موثر در تقویت ارزش های اجتماعی کودک محسوب می شود. انتخاب نوع بازی برای کودک متاثر از عواملی نظیر وضعیت اقتصادی ، نوع همسایگان و میزان بهره هوشی می باشد . کودکان با هوش با کودکان بزرگتر از خود همبازی می شوند زیرا همسالان وی ، او را به عنوان همبازی نمی پذیرند .

۴. خانواده

خانواده که در ابتدا به عنوان یک واحد تولیدی بیولوژیک شناخته شده و از ازدواج دو فرد بوجود می آید ، بعد از بدنی آمدن اولین فرزند ، به شکل واحدی اجتماعی در می آید . کودک ابتدا به دلیل ارتباط محکم خود با مادرش ، از او تاثیر می گیرد . بعد از آن این رابطه دگرگون شده و به شکل رابطه با پدر و دیگر اعضای خانواده در می آید و این تاثیر در دوران کودکی از شدت زیادی برخوردار بوده اما به تدریج بعد از مرحله بلوغ کم می گردد.

نقش خانواده در رشد اجتماعی کودک به نوع فرهنگ موجود بستگی دارد . نتایج تحقیقات براون نشان می دهد که : « ارتباطهای خانوادگی با پیشرفت فرهنگ ضعیف می شوند. چنانکه ارتباط خانوادگی در میان روستائیان قوی تر از ارتباط خانوادگی شهریان است، زیرا خانواده روستایی محل اقامت و خواب و خوراک است یعنی نیازهای اولیه فرد را ارضا می کند و این نیروی ارتباط خانوادگی روستایی هنگامی بهتر ظاهر می شود که میان دو خانواده نزاع و مشاجره ای درگیرد که غالباً به جنگ بدنی و احیاناً قتل منجر می شود. »

خانواده به مثابه جامعه کوچک هدفش رشد و تکامل اجتماعی کودک است و این هدف ، ابتدا در داخل خانواده تحقق می شود . در جهت انجام درست رشد و تکامل کودک در خانواده ، ضروریست شرایط زیر در خانواده برقرار باشد :

- کودک مطمئن باشد که مورد توجه و محبت دیگران قرار داشته و این نیاز روانی بوسیله اعضای خانواده ارضا می گردد و این محبت و علاقه مبنای تقویت ارتباط درونی بین کودک و اطرافیان وی می باشد. کودکی که در محیط ترس و اضطراب یا احساس حقارت متولد شده و زندگی کند، فردی بدبین و کینه توز بار می آید.
- خانواده اولین مکانی است که کودک ، استعدادها و توانایی های خود را در آن جا رشد و پرورش می دهد . این امر از راه بازی ، مشارکت در انجام فعالیت ها و تجربیات همسالان صورت می گیرد و بدون شک تشویق و رقابت صحیح در رشد این استعدادها نقش موثری دارد .
- لازم است افراد خانواده از سرزنش کودکان در زمینه اموری که درک نمی کنند و یا انجام آنها برایشان مشکل است ، اجتناب کنند زیرا ملامت کودکان در این نوع موارد ، باعث می شود که کودک احساس حقارت کرده و از خود ناامید گردد . کودک در سالهای ابتدایی زندگی خود تمایل دارد که خود و شخصیتش را به دیگران بشناساند و به آنان بفهماند که او نیز فردی مستقل بوده و توانایی انجام کارهای خود را دارد . از این رو تلاش می کند نظر و توجه اطرافیان خود را جلب کرده تا متوجه رفتارهای وی شوند . در این زمان وظیفه والدین و اطرافیان این است که بدون نگاه تحقیر آمیز به او ، از کارهایش انتقاد نکرده و او را مورد تحسین و تشویق قرار داده و در صورت انجام عمل اشتباه ، با ملایمت و مهربانی او را هدایت و راهنمایی کنند . هنگامی که کودک به انجام فعالیت خاصی مشغول می شود ، در حقیقت یکی از نیازهای روانی خود را ارضا کرده و این همان نیاز فرد به خودنمایی و ابراز قدرت است .



- محیط خانواده نخستین کانون یادگیری کودکان است. در این محیط کودک می آموزد چگونه وظایف اجتماعی خود را به انجام برساند، به حقوق دیگران احترام گذاشته و با اعضای خانواده و نزدیکان خود سازگارانه رفتار کرده و صفات و خصوصیات نیکو یا زشت آنان را فراگیرد.
- نحوه آداب معاشرت را کودک ابتدا در خانواده و با مشاهده رفتار افراد خانواده در موقعیت های مختلف فرا می گیرد. به عنوان مثال همواره آدم هایی را در اطراف خود می بیند که بسیار حرف می زنند و وعده می دهند، اما کمتر عمل می کنند و همچنین دیگر رفتارها و گفتار متضاد که در نتیجه کودک نیز از آنها تقلید کرده و شخصی تربیت می شود که در گفتار مهارت داشته اما در عمل به آن ضعیف است.
- کودک عادات مختلف خود از قبیل طرز خوردن، پوشیدن، راه رفتن، سخن گفتن، نشستن، شستشو و خواب و ... را در نتیجه تجربیات و اطلاعات خود در خانواده کسب می کند.
- چگونگی رفتار والدین با یکدیگر نیز تاثیر مهمی در رشد و تربیت اجتماعی کودک دارد، چنانکه اگر پدر و مادر مداوم با یکدیگر در مشاجره و نزاع باشند و هر چند دفعه از طلاق و جدایی صحبت کنند، از سرعت رشد کودکان کم می شود. این کودک همه عمر خود را در حالتی از اضطراب و استرس به سر برده و همیشه در محیط خانواده نگرانی دارد که مبدا میان پدر و مادر مجددا مشاجره درگیرد. علاوه بر این از اثرات زبان بار روانی این اتفاق آن است که فرزندان بعد از ازدواج نیز همان رفتار زشت والدین خود را تکرار کرده و با همسر خود به همان صورت رفتار می کنند. به همین شکل، این عمل ادامه پیدا کرده و موجب بدبختی چند نسل و درنهایت جامعه می گردد. در صورتی که اگر کودک شاهد مهر و محبت میان والدین خود باشد، بدون هیچ نگرانی و از طرف آنان، رشد طبیعی وی انجام شده و پس از ازدواج نیز با همسر خود با مهر و محبت رفتار می کند.
- مبنای عقاید و افکار کودک و تمایل وی به تسامح یا تعصب، در محیط خانه پایه ریزی شده و پیروی از حق و حقیقت یا اظهار تعصب به معتقدات خود را از خانواده اش یاد می گیرد.

۵. مهارت های اجتماعی والدین

والدین می توانند یک نمونه بارز بهبود مهارت های اجتماعی برای فرزندان خود حتی قبل از شروع به صحبت کردن آنها باشند. طبق گفته ریچارد وایسبرد روانشناس رشد، والدین خجالتی احتمالا کودکان خجالتی خواهند داشت، زیرا فرزندان آنها شاهد تعاملات کمتر اجتماعی هستند و ممکن است به افراد دیگر به عنوان عاملی برای بروز استرس نگاه کنند. والدینی که علاقه مند به رشد مهارت های اجتماعی در کودکان خود بوده و تمایل دارند که فرزند آنها به شخصیت برجسته ای تبدیل شود، باید فرزندان خود را در معرض برخورد با افراد مختلف قرار دهند، حتی در دوران کودکی. انجام این کار کمک می کند تا فرزندان به چهره های جدید عادت کرده و احتمال خجالتی شدن و اضطراب اجتماعی در آنها کاهش یابد. (بی نا، ۱۳۹۷)



۶. ارتباط میان افراد خانواده

کودکان پرورش یافته در یک خانواده بریکدیگر تاثیر گذاشته و ویژگی این تاثیر با بزرگسالان متفاوت است. کودکان یک خانواده با همدیگر به کار و فعالیت پرداخته و بیشتر اوقات خود را با هم سپری می کنند، زیرا رابطه و علاقه بین آنها تنها مبتنی بر دوستی حقیقی است و هیچ تظاهر و دروغی در آن وجود ندارد و از هر نوع تکلف، تقلید، آداب و رسوم خالی است.

زندگی کودک در خانواده ای چند فرزندی تاثیر بیشتری بر رشد و تکامل او داشته تا کودکی که در خانواده تک فرزند زندگی می کند. زیرا در خانواده های شلوغ کودک در عالم حقیقی زندگی کرده و شریک زندگی دارد اما کودک تک فرزند و تنها در عالم خیال و غیرطبیعی و خالی از دوستان زندگی می کند. کودکی که در محیط پیرامون خود شریک زندگی دارد، برای ارضای نیازهای خود دارای روزنه ای است که در بین بزرگسالان وجود ندارد. از دیگر مزایای خانواده های چند فرزندی وابستگی میان فرزندان است که منجر به تحریک تمایلات کودکان شده و آنها یاد می گیرند به چه صورت به حقوق دیگران احترام گذاشته و موظفند امیال خود را در برابر خواسته های دیگر کودکان محدود کنند.

تفاهم و همدلی میان کودکان سریعتر و راحت تر از تفاهم میان کودکان و بزرگسالان بوجود می آید. در صورتی که کودک با سن بیشتر در بین کودکان کوچکتر از خود رهبر و یا معلم شود، این مسئله در تکوین شخصیت او نقش موثر داشته و حتی بیشتر از تاثیر دیگر بزرگسالان همچون والدین می باشد. زیرا کودکان از یکدیگر بیشتر و زودتر می آموزند. علت این رابطه کودکان با یکدیگر، وجود عوامل مشترک بین آنهاست و بنابراین مشکلات آنها نیز ازجمله امیال و تجربیات و اطلاعاتشان از یک نوع می باشد. حضور چند کودک در خانواده باعث خوشحالی و فعال بودن آنها می شود زیرا هر کدام از آنها می داند، دوستی دارد و این امکان را دارد تا در حوزه های گوناگون با اطلاعات و سطح تفکر خود با آنها مشورت کند. این نوع از دوستی و رابطه باعث می شود که کودک احساس انزوا و تنهایی نکرده، بلکه همیشه احساس کند در میان همسالان خود عضوی موثر بوده و این مسئله خود عاملی بزرگ در تکوین پایه های عمومی بهداشت روانی آنها می باشد.

۷. مهارت های کلامی

مهارت های کلامی به طور عمیق بر رشد اجتماعی کودکان تاثیر می گذارد. طبق گفته روانشناسان کودک، کودکانی که اغلب پدر و مادرشان با آنها صحبت می کنند، معمولا برای برقراری ارتباط با سایر کودکان از آمادگی بیشتری برخوردارند. نوزادان حتی قبل از اینکه بتوانند زبان را درک کنند و پایه های ابتدایی گفتگو را قبل از شروع به صحبت کردن یاد بگیرند، قادر خواهند بود به مکالمات والدین خود گوش دهند. به طور مداوم با کودک خود صحبت کنید تا آنها را به مهارت های کلامی قوی تشویق کنید، این عمل باعث خواهد شد که در نهایت مهارت های اجتماعی فرزندان به خوبی تقویت گردد.

۸. عوامل تحریک کننده

توسعه اجتماعی به شدت با قرار گرفتن در معرض یک محرک محیطی ارتباط دارد. محققان بر این باورند که تماشای تلویزیون قبل از سن دو سالگی می تواند پیشرفت را به همراه داشته باشد و به ویژه توسعه اجتماعی و فکری را تحریک کند. دسترسی به اسباب بازی های مختلف از جمله لگو، عروسک ها و سایر بازی ها، می تواند کودکان را تشویق کند تا مهارت های مختلفی را کسب نمایند که در نهایت می



تواند منجر به بهبود تعامل اجتماعی در آنها شود. محیطی که فرزندان در آن زندگی می‌کند را جذاب، سرگرم کننده نماید و اجازه دهید کودک آزادانه به تماشای تلویزیون بپردازد تا بیشتر بتواند به مهارت های اجتماعی دست پیدا کند.

کتابخوانی و نقش آن در رشد اجتماعی و مهارت‌های کلامی و فن بیان

کتاب، یکی از ابزارهای تفکر، رشد و تعالی انسانی است. از دیرزمان اهمیت مطالعه و آن سخن ها رفته است. کتاب، حتی در کتابخوانی نزد اهل علم و ادب شناخته شده است و درباره روزگار پیشرفتهای چشمگیر بشر در عرصه های دانش، تمدن و فرهنگ، نه تنها اهمیت خود را از دست نداده، بلکه جنبه های گسترده تر، تازه تر و جلوه های پایدارتر یافته است. کتابخوانی، راهی برای دستیابی به دانایی و توانایی است که به آدمی در فهم و درک درست، یاری میرساند و کلید گذر از محدودیت ها و جهالت ها و ورود به دنیای گسترده و ژرف است. از همین رو، مطالعه پنجره‌های به سوی اندیشه ها، تجربه ها، آموخته ها و اندوخته هاست.

کتاب دریچه‌ای است به سوی جهان شگفت‌انگیز علم و معرفت و مطالعه راهی است بسیار ساده و عملی برای پرورش استعداد های خداداد انسان و آموزش علوم و فنون که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی کند. اگر بتوان مطالعه را در انسان به صورت «عادت» خود را نسبت به جهان هستی رشد و تعالی بخشید. باید توجه داشت که تبدیل این علاقه به عادت، باید از دوران طفولیت انسان شروع شود. یکی از عوامل برانگیزاننده در امر مطالعه، حس کنجکاوی است .

وقتی کودک کتابی می‌خواند و به موضوع تازه‌ای پی می‌برد که مورد نیاز و علاقه اوست احساس لذت و آرامش می‌کند زیرا روح کنجکاو او به دنبال کشف حقایق تازه‌ای است و دلش می‌خواهد هر روز که می‌گذرد از مجهولات خودکاسته و بر معلوماتش بیفزاید و تا زمانی که به نتیجه دلخواه خود دست نیابد آرام و قرار نمی‌گیرد و در حقیقت افزایش آگاهی و معلومات خود نوعی لذت و آرامش معنوی را برای او به ارمغان می‌آورد که در شخصیت و رفتار او تأثیر بسیاری دارد. کتابخوانی توانایی کودکان و نوجوانان را در بیان نیازها و خواسته هایشان افزایش می‌دهد. عدم توانایی در بیان مطالب، نیازها و خواسته‌ها به صورت کلامی و نوشتاری به میزان مطالعه و خواندن بستگی دارد. کسانی که در مطالعه، مهارت‌های لازم را پیدا می‌کنند در این زمینه‌ها توانایی ابراز عقیده را داشته و هرگز از بیان مطالب خویش واهمه‌ای به‌خود راه نمی‌دهند و بدون غلط و دست‌پاچگی به تشریح مسائل خود می‌پردازند و همین امر مانع سرخوردگی آنها در اجتماع شده و زمینه مؤفقت و سعادتشان را فراهم می‌کند.

مطالعه یکی از بهترین راه‌های غنی سازی و بهره‌وری از اوقات فراغت است. استفاده مطلوب و شایسته از این اوقات تأمین کننده سلامت روان و رشد و تعالی شخصیت انسان است و بی‌برنامه‌گی و بی‌توجهی به این مهم زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات و کجرویهای اجتماعی است. مطالعه از کم‌هزینه‌ترین روش‌های گذراندن اوقات فراغت است که اگر به روش صحیح انجام شود آرامش پایدار و بسیار خوبی خواهد داشت و در پیشگیری از بزهکاری و انحرافات کودکان و نوجوانان تأثیر زیادی دارد.

کتاب خواندن یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که باید در برنامه روزمره زندگی کودکان گنجانده شود. حتی زمانی که کودک هیچ درک و فهمی از کتاب ندارد، خواندن داستان برای او می‌تواند روی فرآیند رشد او تأثیرگذار باشد. در ادامه به بررسی تاثیر کتاب روی تربیت کودک از منظر کارشناسان می‌پردازیم : (بی نا ، ۱۴۰۱)



۱. تقویت فن بیان در کودکان

فن بیان یکی از مهارت‌های فردی کلیدی است که متأسفانه خیلی از افراد در بزرگسالی نیز چندان تبحری در آن ندارند. واقعیت این است افرادی که فن بیان قوی دارند، به خوبی می‌توانند دیگران را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین در بیان توانایی‌ها و استعدادها خود نیز دچار لکنت نمی‌شوند. به زبان ساده افراد دارای فن بیان قوی، فرصت‌های پیشرفت بیشتری پیش روی خود ایجاد می‌کنند. برای تقویت فن بیان، باید از همان دوره کودکی روی تقویت دایره لغات، آشنایی با ساختارهای زبانی و دستور زبان تمرکز شود. معمولاً مدارس در تقویت این مهارت چندان موفق نیستند. اما خواندن منظم کتاب از دوره کودکی باعث می‌شود که کودکان به صورت ناخودآگاه با عناصر زبانی به خوبی آشنا شوند. از طرفی تقویت دایره لغات، مهارت‌های گفتاری و آشنایی با دستور زبان نیز آن‌ها را به حد مطلوبی از مهارت فن بیان می‌رساند.

۲. نهاده‌ی شدن مهارت تفکر خلاق در کودکان

تأثیر کتاب روی تربیت کودک به تقویت مهارت‌های کلامی خلاصه نمی‌شود. کودکان در حال شنیدن یا خواندن کتاب‌ها، همزمان مشغول فکر کردن نیز هستند. در اینجا نقش والدین نیز برای تقویت مهارت تفکر انتقادی در کودکان نیز بسیار کلیدی است. وقتی کتابی می‌خوانید با طرح سؤالات چالشی از دل داستان سعی کنید کودک را به فکر کردن و تحلیل آنچه در داستان رخ داده، وادار کنید. حتی از آن‌ها بخواهید آنچه را که در ادامه رخ خواهد داد، پیش‌بینی کنند. این اقدامات تمرین‌های ذهنی بسیار خوبی برای تقویت مهارت تفکر خلاق در کودکان است. به خاطر داشته باشید کسی که درست فکر کردن را یاد بگیرد، می‌تواند از پس تمام چالش‌هایی که در زندگی برایش پیش می‌آیند، بر بیاید.

۳. تقویت مهارت حل مسئله

کتاب‌های داستان خوب مناسب کودکان، شخصیت‌های خود را در معرض چالش‌های گوناگون قرار می‌دهند. در طول داستان شخصیت‌ها به دنبال راه‌حل برای مشکلات خود می‌گردند. خواندن این داستان‌ها این فرصت را در اختیار کودکان قرار می‌دهد که بدون تجربه مشکلات، راه‌های عبور موفق از آن‌ها را یاد بگیرند. به این ترتیب قوه تجزیه و تحلیل موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره در کودکان تقویت می‌شود. زندگی پر از چالش‌های ریز و درشت است و کتاب خواندن راه‌های غلبه بر آن‌ها را به ما نشان می‌دهد.

۴. یادگیری آموزه‌های اخلاقی

تأثیر کتاب روی تربیت کودک را می‌توان در حیطه آموزه‌های اخلاقی نیز دنبال کرد. به اعتقاد والدین انتقال ارزش‌های اخلاقی به کودکان دشوار است. شاید در وهله اول هم اینگونه به نظر برسد. اما واقعیت این است که ایراد از روش اتخاذ شده برای ارائه آموزه‌های اخلاقی به کودکان است. روش درست برای انتقال ارزش‌ها به کودکان قراردادن ناخودآگاه کودکان در معرض آموزه‌های اخلاقی است. کتاب خواندن یکی از روش‌های مطمئن برای این منظور است. در دل داستان‌ها فرصت برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های به صورت نامحسوس به کودکان مهیا می‌شود. این دقیقاً همان چیزی است که ملکه ذهن کودکان می‌شود و برای همیشه با آن‌ها باقی می‌ماند.



۵. توسعه مهارت‌های ارتباطی کودکان

عمده کتاب‌های رده سنی کودکان، حاوی روایت‌هایی برای معرفی کردن محیط‌های زندگی مانند خانه، مدرسه، وقایع روزمره و ... هستند. با خواندن این کتاب‌ها، کودکان به نوعی در معرض این محیط‌ها قرار می‌گیرند. در نتیجه زودتر با محیط زندگی خود آشنایی پیدا می‌کنند. همچنین با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنند. به این ترتیب فرصت توسعه مهارت‌های ارتباطی کودکان سریع‌تر ایجاد می‌شود. در نتیجه کودکان خیلی راحت‌تر می‌توانند در محیط‌های اجتماعی حضور پیدا کنند. مشکلاتی مانند گوشه‌گیری، ناتوانی در دوست‌یابی، خجالت کشیدن و ... نیز در کودکان کمتر رخ می‌دهد.

کتابخوانی برآیندی از مجموعه عوامل است. این عوامل به طور عمده شامل خانواده فرد، مدرسه و محیط آموزشی است. محیط خانوادگی، اولین محیط تربیتی است و ارتباط اعضای خانواده با مقوله فرهنگ و کتاب، نقش به سزایی در نوع برخورد فرد با کتاب بازی می‌کند. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش، معتقدند تربیتی که فرد در خانواده می‌پذیرد، از نوع تربیت غیر رسمی است که تاثیر شگرفی بر تربیت رسمی وی خواهد گذاشت. آن چه کودک در دوران قبل از مدرسه در خانواده می‌آموزد، به گونه‌ای بر روح و روان وی نقش می‌بندد که تا آخر عمر باقی خواهد ماند و نحوه برخورد وی را با مسائل گوناگون اجتماعی و آموزشی تحت تاثیر قرار خواهد داد. اولین آشنایی کودک با کتاب، در خانواده محیط خانواده انجام می‌گیرد. باید توجه داشت که برنامه‌ریزی برای توسعه کتابخوانی باید از خانواده شروع شود. در عامل خانواده، عوامل فرعی زیادی تاثیر گذارند که هر یک به نحوی مقوله مطالعه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این عوامل، شامل سطح سواد والدین، برخورد والدین و سایر اعضای خانواده با کتابخوانی، امکانات فرهنگی خانواده و شغل والدین است.

عامل دوم، خود فرد است. مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد که افراد از جهات مختلف باهم متفاوت هستند. این تفاوت‌ها موجب می‌شوند که نوع و میزان مطالعه در کتابخوانی در میان آنان، متفاوت و متنوع شود؛ به ویژه این که جلوه‌ی تفاوت‌ها در دوران بلوغ، بیشتر خود را نشان خواهد داد. در عامل فرد، عوامل فرعی فراوانی قابل بررسی است که هریک به نحوی بر نوع و میزان مطالعه وی تاثیر می‌گذارند این عوامل چهارگانه عبارتند از: جنسیت، نیازها، علایق و وقت آزاد. سومین عامل تاثیرگذار بر کتابخوانی، محیط آموزشی آنان است.

در این عامل، عوامل فرعی بسیاری مانند مدیر مدرسه، معلمان، کتابخانه، کتابدار متخصص و فضای عمومی، همچنین برنامه‌های آموزشی مدرسه نقش دارد. به طور کلی شناخت زمینه‌ها و عواملی که فرهنگ مطالعه و خواندن برآیندی از آنهاست، کمک می‌کند وضعیت موجود ترسیم شود و راه‌های روشنی پیش روی فرادستان و مسئولان کشور قرار گیرد تا بتوان راه‌کارهای بهبود کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان را به اجرا گذاشت. (ویسی نژاد، ۱۳۸۵)

دلایل اهمیت مطالعه برای رشد اجتماعی دانش‌آموزان

همانطور که ذکر شد، بررسی دلایل اهمیت کتابخوانی دانش‌آموزان از جهات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است و کارشناسان با تحلیل آنها، به نتایج مهمی رسیده‌اند. این روزها از کتابخوانی به عنوان سریع‌ترین راه برای افزایش رشد اجتماعی دانش‌آموزان نام برده می‌شود: (نقی زاده، ۱۴۰۱)



الف) به دست آوردن قدرت تصمیم گیری بالا

شاید مهم ترین عامل برای رشد اجتماعی دانش آموزان، قدرت تصمیم گیری وی باشد. دانش آموز باید قادر به تشخیص میان اتفاقات مثبت و منفی باشد، همچنین او باید بتواند با سنجیدن شرایط، تمامی عوامل را در نظر بگیرد و آنها را در تصمیم گیری خود دخیل سازد. کتاب خواندن، با افزایش قدرت ذهنی و تمرکز فرد، وی را قادر می سازد که بتواند به سادگی نسبت به گرفتن مهم ترین تصمیمات زندگی خود، اقدام کند و آینده ای روشن را برای خود و حتی اطرافیان، تضمین کند. در نتیجه این قدرت تصمیم گیری، رشد اجتماعی دانش آموزان با سرعت و کیفیت بهتری به وقوع می پیوندد.

ب) هدفمند شدن

کتاب ها زندگی های متفاوتی را به ما نشان می دهند که در نتیجه تصمیمات افراد به وجود آمده اند. دانش آموزان با کتابخوانی می توانند به سادگی متوجه اهمیت هدف داشتن در زندگی شوند و مشخص کردن آن را در لیست اولویتهای خود قرار دهند. رشد اجتماعی دانش آموزان در نتیجه همین اتفاقات و در راستا رسیدن به هدفی معین، صورت می پذیرد و افراد را از بلاتکلیفی و سردرگمی، نجات می دهد.

ج) هویت سازی

رشد اجتماعی دانش آموزان با عاملی به جز هویت قوی و مستقل، امکان پذیر نیست. فرد باید نسبت به خود تصمیماتی که می گیرد، اطمینان زیادی داشته باشد تا بتواند در جهت رسیدن به اهدافی که برای آینده ترسیم کرده، قدم بردارد. این اتفاق، در نتیجه هویت سازی ممکن می شود. منظور از هویت سازی، پررنگ ساختن ویژگی های اجتماعی و شخصی فرد از جمله مشخص بودن علایق و داشتن اعتماد به نفس کافی، است.

د) افزایش توانایی مدیریت بحران

مدیریت بحران و کنترل احساسات در موقعیتهای حساس زندگی، از جمله ملزوماتی است که یک فرد برای داشتن آینده ای مطمئن، باید داشته باشد. کتاب خواندن با نشان دادن شرایط متنوعی که افراد در آن قرار گرفته اند، چگونگی تصمیم گیری آنها و نتیجه ای این رفتار، دانش آموزان را قادر می سازد تا بتوانند در مواجهه با موقعیتهای سخت و بحرانی در زندگی روزمره خود، به سادگی آنها را مدیریت کنند و با بهترین وضعیت، خود را از این موقعیت بحرانی به شرایط پایدار برسانند.

ذکر این نکته ضروریست که کتاب خواندن فقط به عنوان یک یار کمکی در رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر می گذارد و بخش اصلی شکل گیری هویت اجتماعی هر فرد، فقط در موقعیتهای مختلف زندگی و افرادی که با آنها روبرو می شود، صورت می پذیرد. اما این موضوع، نه تنها از اهمیت کتابخوانی نمی کاهد بلکه آن را پررنگ تر نیز می کند زیرا کتاب خواندن، مانند یک دارو مکمل بر رشد اجتماعی دانش آموزان تاثیر می گذارد و به آسان طی شدن این مسیر، کمک فراوانی می کند. همچنین باید بدانید که کتاب خواندن، مثل یک فیلتر برای اتفاقات روزمره فرد عمل می کند و برای آرامش بیشتر ذهن، به کمک فرد می آید که این موضوع خود به عنوان علتی برای افزایش کارکرد ذهن دانش آموزان در نظر گرفته می شود.



نتیجه گیری

کودکی و نوجوانی یکی از مراحل مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می رود. در این دوره، نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی به ویژه تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویش، شناخت استعدادها، تواناییها و رغبتها، انتخاب هدفهای واقعی در زندگی، استقلال عاطفی از خانواده، حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشارزای محیطی، برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت‌های اجتماعی لازم در دوست یابی، شناخت زندگی سالم و مؤثر و چگونگی برخورداری از آن، از مهم ترین نیازهای نوجوان به شمار می روند. کودکان و نوجوانان به دلیل تجربه ناکافی و عدم آگاهی از مهارت‌های لازم از جمله آسیب پذیرترین قشر از اقشار اجتماعی هستند و به رغم انرژی و استعدادهای بالقوه و سرشار، آنها از چگونگی بکار بردن توانمندیهای خود در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی آگاه نیستند. بنابراین، کمک به آنان در رشد و گسترش مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی مطلوب، ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و همچنین کمک در رشد و تکامل عواطف و مهارت‌های اجتماعی لازم جهت سازگاری موفق با محیط اجتماعی و زندگی مؤثر و سازنده، ضروری به نظر می رسد. از جمله مداخلات مؤثر بر رشد اجتماعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و فن بیان دانش آموزان می توان به مطالعه و کتابخوانی اشاره کرد. مطالعه برای تمامی سنین، از جمله واجباتی است که باید حتما در برنامه‌ی روزمره افراد قرار بگیرد اما مطالعه دانش آموزان از این جهت حائز اهمیت بیشتری است که این افراد، بیشترین اثرپذیری را نسبت به سایر گروه‌های سنی دارند پس بهتر است این تأثیرات توسط کتاب‌ها و با مطالعه شکل پذیرند تا عقاید منفی و آسیب‌رسان فرصت نداشته باشند که خود را نشان دهند. همچنین مطالعه علاوه بر تأثیر بر رشد اجتماعی دانش آموزان، از مزایای بسیار دیگری نیز برای آنها برخوردار است که از آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تقویت مهارت‌های کلامی و فن بیان، افزایش خلاقیت و اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری.

پیشنهادهات

در این راستا پیشنهادات زیر در جهت افزایش رغبت دانش آموزان به مطالعه و کتابخوانی قابل ارائه می باشد:

۱. برگزاری مسابقه کتابخوانی در مدارس
۲. انتخاب مطالعه کتاب به عنوان بخشی از تکلیف شب
۳. برگزاری جلسیهایی به همراه دانش آموزان برای نقد و بررسی کتابها
۴. تهیه نشریه‌های دیواری به عنوان جزئی از فعالیتهای گروهی دانش آموزان

منابع

احمدی، مریم و پنجش، اسما و پیرزاده، فاطمه و جعفری کلیر، فاطمه، ۱۴۰۰، تأثیرات فردی و اجتماعی کتاب و فرهنگ کتابخوانی بر کودک و نوجوان، هشتمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ

(بی نا)، رشد اجتماعی کودکان، عوامل مؤثر بر آن؛ ۱۳۹۷، <https://niniban.com/fa/news/180786/>

(بی نا)، تأثیر کتاب روی تربیت کودک، ۱۴۰۱، <https://yariway.com/blog/effect-books-child-rearing>



سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا، لطف آبادی، حسین .: (۱۳۸۱) ، *روانشناسی رشد* ، قم : چاپ مهر

شعاری نژاد ، علی اکبر ؛ (۱۳۷۵) ، مبانی روانشناختی تربیت ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، تهران

شعاری نژاد، علی اکبر؛ (۱۳۸۵)، روان شناسی رشد، تهران: نشر اطلاعات، چاپ نوزدهم

ظهیری ناو، بیژن، و رجبی، سوران. (۱۳۹۰). بررسی رابطه کتاب خوانی و رشد اجتماعی در دانش آموزان. مطالعات ادبیات کودک، ۳(۱)، ۱۴۵-۱۶۵.

نقی زاده ، نازنین ، ۱۴۰۱ ، افزایش رشد اجتماعی دانش آموزان با مطالعه ،

[/https://mag.bonyaddanesh.org/extracurricular-study-and-social-development](https://mag.bonyaddanesh.org/extracurricular-study-and-social-development)

نراقی ، مریم ؛ قبادیان، مسلم ؛ نادری، عزت الله ؛ شریعتمداری علی ؛ (۱۳۹۰) ، اجتماع پژوهشی راهی موثر در رشد اجتماعی کودکان ،

نشریه تفکر و کودک ، ۲ (۲) ، ۳۷-۵۸

ویسی نژاد ، سیما ؛ ۱۳۸۵ ، بررسی راهکارهای ترغیب به مطالعه در کودکان و نوجوانان ، : کتاب ماه کودک و نوجوان ، شماره ۱۱۲ تا ۱۱۴

Watson, T. S., & Skinner, C. H. (2001). Functional behavioral assessment: Principles procedures, and future directions. *School Psychology Review*, 30(2), 156-172.